

**Consequences of the process of normalizing relations between the Zionist regime and the Arab countries of the Persian Gulf region and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran**

Mohammad Hasan Shahrezaee<sup>1</sup>  
Mahnaz Goodarzi<sup>2\*</sup>  
Jahanbakhsh Izadi<sup>3</sup>

Received: 4 April 2023

Reception: 4 Juner 2024

**Abstract:**

The relations between the Zionist regime and the Arab countries of the Persian Gulf region can be considered one of the most important security issues in the Islamic world in the last few decades. Although this issue was initially associated with the alliance and coalition of Arab countries against the Zionist regime and led to multiple wars; But the failure of the Arab countries in these wars on one hand and the absence of charismatic leaders such as General Gamal Abdul Nasser on the other hand, caused not only these tensions to subside, but also to de-escalate and establish relations. This matter became doubly important when the Zionist regime and the Arab countries have come to understand a common threat, especially from the Islamic Republic of Iran. Therefore, the purpose of this article is the consequences of the process of normalizing relations between the Zionist regime and the Arab countries of the Persian Gulf region and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. The findings of the article, which were collected using the theoretical framework of Stephen Walt's defensive realism (threat balance) and the use of analytical-descriptive methods, show that things like: Iran phobia, the expansion of the Shiite crescent, the formation of Islamic awakening in The year 2011, the 2015 nuclear agreement known as the JCPOA, the missile power of the Islamic Republic of Iran, the gradual withdrawal of American forces from the region, the thoughts of the rulers of the Arab countries regarding their political systems, which see themselves in need of foreign support in order to strengthen their internal position. Increasing the depth of the Zionist regime's influence in the region in order to retaliate for the presence of the Islamic Republic of Iran in its peripheral regions, all of them have brought closer and established relations between the Arab countries of the Persian Gulf region and the Zionist regime, which has undoubtedly changed the equations of the Southwest Asia region in different dimensions will undergo strategic changes. These strategic changes will also pose threats to the national security of the Islamic Republic of Iran.

**key words:** The Zionist regime, the Arab countries, the Persian Gulf region and the national security of the Islamic Republic of Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.494136.1172>

پیامدهای روند عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب

منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران

محمدحسن شاه‌رضائی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۶/۰۱/۱۴۰۳

مهناز گودرزی<sup>۲</sup>

جهانبخش ایزدی<sup>۳</sup> تاریخ پذیرش: ۱۵/۰۳/۱۴۰۳

### چکیده:

روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی خلیج فارس به عنوان مسئله‌ای امنیتی در جهان اسلام مطرح است. هدف این مقاله تحلیل پیامدهای عادی سازی روابط و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران است. یافته‌ها با استفاده از نظریه واقع‌گرایی تدافعی والت (توازن تهدید) و روش تحلیلی-توصیفی نشان می‌دهد که عواملی مانند ایران‌هراسی، گسترش هلال شیعی، بیداری اسلامی، برجام، توان موشکی ایران، خروج نیروهای آمریکایی، نیاز حاکمان عرب به حمایت خارجی و تلاش رژیم صهیونیستی برای مقابله با نفوذ ایران، باعث نزدیکی اعراب و رژیم صهیونیستی شده که بی‌شک معادلات منطقه را در ابعاد مختلف دچار تغییرات راهبردی خواهد کرد و بر امنیت ملی ایران تاثیرگذار است.

**کلمات کلیدی:** امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عرب، رژیم صهیونیستی، منطقه خلیج فارس، موازنه تهدید

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

<sup>۲</sup>دانشیار گروه روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). [m.goodarzi@khuisf.ac.ir](mailto:m.goodarzi@khuisf.ac.ir)

<sup>۳</sup>آستادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران.

در طول دهه‌های مناقشه میان فلسطین و رژیم صهیونیستی، کشورهای عربی غرب آسیا رویکرد یکسانی نداشته‌اند و در مواجهه با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، استراتژی‌های متنوعی را اتخاذ کرده‌اند. رژیم صهیونیستی نیز با چالش‌های متعددی از جمله فقدان عمق استراتژیک، نفوذ ایران در مناطق اطراف خود، شکست‌های پی‌درپی از حزب‌الله و جبهه مقاومت، برنامه هسته‌ای و توان موشکی ایران، خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از منطقه و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران روبرو بوده است. با این وجود، اشتراکاتی در برخی از این چالش‌ها میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی وجود دارد که می‌تواند به عادی‌سازی و توسعه روابط آن‌ها کمک کند. روابط رسمی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی ریشه در همکاری‌های آشکار و پنهان آن‌ها دارد. این همکاری‌ها در سطح آشکار شامل تقویت روابط اقتصادی، فروش تسلیحات و روابط سیاسی علنی و در سطح پنهان شامل همکاری‌های سیاسی، نظامی و اطلاعاتی با هدف مهار ایران و محور مقاومت است. موضوع رژیم صهیونیستی از ابتدای انقلاب اسلامی برای سیاست خارجی ایران اهمیت داشته، اما نزدیکی این رژیم با برخی کشورهای عربی هم مرز با ایران، به دلیل اختلافات موجود (مانند موضوع جزایر سه‌گانه، برنامه هسته‌ای و...)، اهمیت آن را دوچندان کرده است. از این‌رو پیامدهای روند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی - خلیج - فارس به لحاظ تأثیری که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد گذاشت، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

### چارچوب نظری پژوهش:

رنالیسم تدافعی، به عنوان یک پارادایم مسلط در روابط بین‌الملل، بر ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و تأثیر آن بر رفتار دولت‌ها تأکید دارد. در این چارچوب، دولت‌ها بازیگرانی عقلانی در نظر گرفته می‌شوند که هدف اصلی آن‌ها حفظ بقا و امنیت ملی است. رنالیسم تدافعی بر خلاف رنالیسم تهاجمی، بر این باور است که دولت‌ها به طور ذاتی به دنبال حداکثرسازی قدرت نیستند، بلکه به دنبال حفظ موقعیت موجود خود و جلوگیری از تهدیدات خارجی هستند. موازنه قوا و موازنه تهدید، مفاهیم کلیدی در این نظریه هستند. در واقع دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات، به دنبال موازنه تهدید و ایجاد ائتلاف و همکاری با سایر دولت‌ها هستند. به‌طور کلی می‌توان اصول و مفاهیم اصلی نظریه موازنه تهدید از نظر والت را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- دولت‌ها در برابر طرف‌هایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدید به‌شمار می‌روند.

- تهدید، صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه ادراکی است که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند. به نظر والت، زمانی که تهدیدی احساس شد، کشورها یا می‌کوشند در برابر آن توازن ایجاد کنند؛ یا این‌که به کشور تهدیدکننده بپیوندند.

- هر اندازه تهدید خارجی جدی‌تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که به‌طور کلی شکل‌گیری سطوح اتحاد با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک رابطه مستقیم دارد.

- به نظر والت تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی» و «نیت تجاوزکارانه» تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری دارد، نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، می‌تواند تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این‌رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوز پیشینه تصور شوند، احتمال بیشتری دارد موجب ایجاد توازن شوند. نیت تجاوزکارانه یک کشور خاص تمایل به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۴۳-۴۱). پژوهش حاضر نیز با مبنا قرار دادن نظریه موازنه تهدید استفان والت کوشش خود را به بررسی پیامدهای روند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب منطقه خلیج فارس معطوف کرده است.

راهبرد اتحاد پیرامونی<sup>۱</sup> رژیم صهیونیستی در غرب آسیا:

از سال ۲۰۰۶، سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال منطقه غرب آسیا از دو اصل پیروی کرده است: اصل اول سیاست عادی‌سازی روابط با کشورهایمانند عربستان و سایر متحدین عرب آن و نیز ترکیه و اصل دوم سیاست تقابل با جمهوری اسلامی ایران و متحدین منطقه‌ای آن به‌عنوان مهمترین چالش امنیتی این رژیم. در واقع یکی از انگیزه‌های اصلی آمریکا برای کنترل بیشتر بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نگرانی از امنیت این رژیم است. در حال حاضر، ایران به لحاظ فناوری و سامانه‌های موشکی، به وضعیتی رسیده که به راحتی می‌تواند این رژیم را هدف قرار دهد. به‌علاوه آمریکا و رژیم صهیونیستی از این نگرانی که با توسعه قدرت نظامی ایران و در نهایت دستیابی به سلاح هسته‌ای، گروه‌های مقاومت نیز در آینده به این‌نوع سلاح‌ها مجهز شوند (Ghanbarloo, 2018: 157).

دیپلماسی آشکار و پنهان رژیم صهیونیستی:

پس از برقراری روابط رسمی و آشکار رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای جهان، دیپلماسی این رژیم به دو سطح آشکار و پنهان تقسیم شد.

#### الف- دیپلماسی آشکار:

در سطح دیپلماسی آشکار تقویت مبادلات اقتصادی، فروش تسلیحات و پیوندهای سیاسی پس از اعلام ظهور رژیم صهیونیستی توسط مقامات سیاسی این رژیم به صورت آشکار پیگیری شد.

#### ب- دیپلماسی پنهان:

در قالب دیپلماسی پنهان، رژیم صهیونیستی توانسته است با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و اطلاعاتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی حکومت بشار اسد را در قالب جنگ داخلی تضعیف سازد و در مرزهای جمهوری اسلامی ایران به جاسوسی و کسب اطلاعات مبادرت ورزد. هدف از دیپلماسی پنهان برقراری پنهانی روابط سیاسی و نظامی-اطلاعاتی با کشورهای عربی و غیرعربی منطقه غرب آسیا جهت مهار جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت است. (عباسی خوشنکار، ۱۳۹۹)

بسترهای عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس:

عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس در قالب بسترهایی شکل گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- قرار گرفتن کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی در جبهه متحدین آمریکا:

وجود هم‌پیمان و دوستان مشترک باعث گسترش همسویی و ارتقاء نوعی نزدیکی میان کشورهای عربی و تل‌آویو شده است. این موضوع که کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی متحد و هم‌پیمان اصلی آمریکا در منطقه هستند و در مدار دوستی و اتحاد با غرب قرار دارند، از دلایل افزایش همسویی و همکاری مشترک میان آن‌ها به‌شمار می‌رود. در همین راستا رژیم صهیونیستی به‌رغم پیوندهای نزدیکی که با آمریکا دارد، مناسبات عربستان با آمریکا را با حساسیت زیاد می‌نگرد، زیرا آن مناسبات را برای آینده پیوندهای خود با دنیای غرب بسیار تعیین کننده می‌بیند. از سوی دیگر پیوندهای رژیم صهیونیستی با آمریکا در مقاطعی که در راستای حفظ وضع موجود در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس قرار دارند در جهت منافع عربستان سعودی می‌باشد. بدین ترتیب، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، رژیم صهیونیستی را به صورت نوعی رابط میان خود و آمریکا می‌بینند. علاوه براین، باید اذعان داشت که عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در خصوص بسیاری از مسائل منطقه‌ای و به‌ویژه موضوعات

مربوط به لبنان و فلسطین دارای دیدگاه‌های مشابهی با ایالات متحده آمریکا هستند، آن‌ها خواستار افزایش قدرت گروه‌های میانه‌رو و مصالحه‌جو مانند فتح در فلسطین و ۱۴ مارس در لبنان و کاهش نقش و ائتلاف نفوذ گروه‌های مقاومت اسلامی از جمله حزب الله و حماس و دولت‌های طرفدار آن‌ها به‌ویژه ایران و سوریه هستند (اخوان کاظمی، نریمانی و صادقی، ۱۳۹۵: ۱۳۷). اهداف مشترک آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی در خصوص مسائل لبنان، فلسطین و سوریه، به واسطه روندهای منطقه‌ای سال‌های اخیر تقویت شده‌اند و این مسأله به کنشگری بیشتر از سوی آن‌ها برای همکاری بیشتر با یکدیگر در این حوزه منجر شده است (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۲۹). البته سایر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

### ۳- ایران هراسی و گسترش هلال شیعی:

تاریخ سیاست بین‌الملل حکایت از آن دارد که یک دولت قدرتمند همواره در دیگران احساس تهدید ایجاد می‌کند؛ بنابراین افزایش قدرت یک دولت به‌طور طبیعی به افزایش تمایل دیگران برای محدود کردن و موازنه کردن آن خواهد انجامید. قابلیت‌های ایران در حوزه‌های سنتی و نوین قدرت در مقیاس منطقه‌ای به‌گونه‌ای است که این کشور را به‌عنوان یک گزینه بالقوه هژمونی منطقه‌ای مطرح می‌کند؛ بنابراین مهم‌ترین عامل نگرانی از ایران یا در شکل حاد آن ایران هراسی، قدرت ایران است. ایران هراسی در معنای ترس مفرط و غیرعقلانی از ایران خصوصاً با بزرگنمایی تهدید ایران هسته‌ای کاربرد دارد. در همین خصوص یکی از مهم‌ترین دلایل رژیم صهیونیستی برای دامن زدن به سیاست ایران هراسی در منطقه، برتری جویی بر رقیبان منطقه‌ای از طریق کسب انحصار هسته‌ای و افزایش قدرت نسبی است؛ بنابراین توانمندی هسته‌ای ایران جدا از آن که می‌تواند این کشور را وارد باشگاه انحصاری هسته‌ای سازد به‌طور بالقوه می‌تواند به برتری هسته‌ای انحصاری رژیم صهیونیستی نیز خاتمه دهد. در نتیجه روشن است که رژیم صهیونیستی با هراس افکنی در خصوص تهدیدزایی ایران از این موضوع به‌عنوان پوششی برای فعالیت‌های سیطره طلبانه خود استفاده می‌کند (ضرغامی خسروی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۳).

رژیم صهیونیستی به تهدید ایرانی به‌عنوان تنها تهدیدی برای موجودیت و آینده خود می‌نگرد. ایران آخرین تهدید استراتژیک برای رژیم صهیونیستی در همه زمینه‌های امنیتی به‌شمار می‌رود. برنامه هسته‌ای ایران و گسترش نفوذ این کشور در غرب آسیا و محور شیعه که از جنوب به خلیج فارس و از شمال تا بندر لاذقیه می‌رسد، تهدیدی استراتژیک برای رژیم صهیونیستی هستند (کسپیت، ۱۳۹۷: ۱). طی چند سال اخیر شاهد شمار فزاینده تماس‌های پنهانی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و مسلمان منطقه و جهان بوده‌ایم و این در حالی است که رژیم صهیونیستی با هیچ یک از این کشورها روابط

دیپلماتیک ندارد. این ابراز علاقه ناگهانی بین رژیم صهیونیستی و شماری از کشورهای سنی عرب که به تدریج به سمت روابطی جدی پیش می‌رود این‌ها همه به لطف ایران است. شاید بتوان عنوان نمود یکی از اشخاصی که بیشترین تلاش را در راستای نهادینه‌سازی ایران هراسی در سیاست‌گذاری‌های رژیم صهیونیستی و تغییر سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن در این قاب و قالب انجام داد، کسی نیست جز بنیامین نتانیاهو. بنیامین نتانیاهو پس از پیروزی در انتخابات عمومی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۹، سیاست خارجی این رژیم را به میزان زیادی تغییر داد، به طوری که تلاش دولتمردان رژیم صهیونیستی بر خروج از انزوا و دوستی با کشورهای عرب منطقه، متمرکز شد. (Bergman, 2018: 654).

شیعه هراسی و دشمن‌پنداری هلال شیعی، هم علت و هم معلول سایر ائتلاف‌سازی‌ها محسوب می‌شود. به عبارت بهتر، ترس از شیعه به‌ویژه بعد از تحولات بیداری اسلامی و موج خیزش‌ها در کشورهای عربی سبب شد پروژه شیعه هراسی را به شدت تقویت کنند (عسگری کرمانی و معین آبادی بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۴۱). با توجه به این که ژئوپلیتیک شیعه در منطقه از قدرت بالایی برخوردار است، لذا این نکته حائز اهمیت است. در حقیقت، موقعیت جغرافیایی استقرار شیعیان یا ژئوپلیتیک شیعه در منطقه غرب آسیا، کمربند استراتژیک اقتصادی و سیاسی در منطقه محسوب می‌شود؛ زیرا شیعیان در قلب بزرگترین منطقه نفت‌خیز غرب آسیا که ۷۵ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، قرار گرفته‌اند. اکثریت شیعیان ایران، عراق و آذربایجان بر ۳۰ درصد ذخایر نفتی دسترسی دارند که اگر قسمت شیعه نشین شرق عربستان سعودی به این ارقام اضافه شود، این مقدار به ۵۰ درصد می‌رسد. بنابراین شیعیان عرب به همراه ایران می‌توانند اکثر منابع خلیج فارس را به کنترل خود درآورند. (جاودانی مقدم و گوهری، ۱۳۸۷: ۱۴۷). از این رو سران آمریکا و رژیم صهیونیستی، با برجسته‌سازی مفهوم «هلال شیعه»، در پی انحراف اذهان سران کشورهای عربی از مسئله اصلی جهان اسلام یعنی «رژیم صهیونیستی» هستند و سعی در برقراری روابط این رژیم با کشورها عرب منطقه خلیج فارس دارند.

۵- شکل‌گیری بیداری اسلامی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۱ میلادی:

عربستان سعودی که موضع موافق واشنگتن نسبت به تحولات در تونس، مصر و لیبی را مشاهده کرد، برای جلوگیری از تغییر در بحرین سریعاً اقدام نمود. رژیم صهیونیستی هم از سوی دیگر بیم و وحشت خود از پیامدهای دعوت آمریکا برای تغییر وضع موجود در منطقه غرب آسیا را پنهان نکرده و اعلام داشته است که تل‌آویو علاقه مند به حفظ وضع موجود است و همچنین

علاقه‌مند بود که آمریکا هم حافظ وضع موجود در منطقه باشد (امامزاده فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۰). از این رو رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی که سیاست حفظ وضع موجود را در غرب آسیا پیگیری می‌کنند به این قیام‌ها نگاه مشترکی داشته و آن را تهدید علیه امنیت خود می‌دانستند. علاوه بر این، با مداخله قدرت‌های غربی در قیام‌های عربی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای این قیام‌ها، کنار رفتن مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی از کانون توجه بود. «کوبی میشل» محقق موسسه مطالعات امنیت ملی دانشگاه تل‌آویو عنوان می‌کند که سعودی‌ها کمتر از قبل به موضوع فلسطین متعهد هستند (Alsaafin, 2017). این شرایط سبب شد تهدید قیام‌های عربی به فرصت برای رژیم صهیونیستی تبدیل شود و این رژیم از تقویت بی‌نظمی در غرب آسیا بهره‌مند گردد. یکی از بهره‌های رژیم صهیونیستی از قیام‌های عربی، حمایت از سیاست عربستان سعودی در قبال این قیام‌ها و در نتیجه نزدیکی روابط با ریاض و سایر کشورهای عرب منطقه است.

#### ۶- توافقی هسته‌ای سال ۲۰۱۵ موسوم به برجام:

برنامه توافقی هسته‌ای ایران مهم‌ترین نگرانی رژیم صهیونیستی است، زیرا این مسئله نه تنها از یک سو انحصار هسته‌ای این رژیم را در منطقه به چالش می‌کشد و می‌تواند باعث تشویق کشورهای عربی برای دست‌یابی به توانمندی هسته‌ای شود، بلکه از سوی دیگر، به صورت بالقوه موجودیت خود این رژیم را نیز تهدید می‌کند. فعالیت‌هایی که رژیم صهیونیستی برای مقابله با این تهدید انجام می‌دهد، پیامدهای مستقیمی برای منطقه دارد. لذا درگیری این رژیم با ایران یک مسأله مهم منطقه‌ای است که افزایش آن می‌تواند باعث تغییر موازنه قدرت شود (Ehteshami, 2014: 45). ضمن این‌که این توافقی به نوعی مطلوب کشورهای عرب منطقه خلیج فارس نیز نمی‌باشد.

بنابراین رژیم صهیونیستی و عربستان با استفاده از تبلیغات و کمک طرفداران خود از جمله لابی قدرتمند آئی‌پیک<sup>۱</sup>، تلاش‌های بسیاری در واکنش به توافقی هسته‌ای ایران و غرب و همچنین تهدیدآمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و مهم‌تر از آن پیامدهای حاصله از توافقی مذکور برای ایران، انجام داده و خواهند داد. آن‌ها ادعا می‌کنند که ایران از ابتدا در پی هژمونی منطقه‌ای و تغییر موازنه قدرت به نفع خود بوده و وقوع توافقی هسته‌ای آن‌ها را به اهداف خود نزدیک می‌کند. (دهقانی‌فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵: ۵۳). در همین راستا نتانیاهو برجام را اشتباه تاریخی از سوی آمریکا خواند و مقابله با تهران را که از نظر این رژیم، تهدیدی وجودی است، تحسین نمود. از منظر رژیم صهیونیستی ایران سبب شکل‌گیری جنبش حماس در جوار مرزهای این رژیم شده است که نمایندگی سیاست‌های ایران را بر عهده دارد. در نتیجه، مانع از توافقی صلح

1. AIPAC (American Israel Public Affairs Committee)

و سازش با گروه‌های فلسطینی مانند جنبش فتح می‌شود. از منظر آمریکایی‌ها نیز، مادامی که تعارض رژیم صهیونیستی و اعراب لاینحل باقی بماند، ایران مسئله فلسطین را به مثابه ابزاری جهت خنثی سازی علائق منطقه‌ای ایالات متحده به کار می‌گیرد. از این رو هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی از تشکیلات خودگردان فلسطین تحت رهبری فتح به مثابه خاکریزی در برابر گروه‌های همراه ایران از جمله حماس و جهاد اسلامی فلسطین حمایت می‌کنند تا اینکه بتوانند به توافق صلح دست یابند (Simber and the Victim, 2013: 97).

۷- خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از منطقه:

به‌طور کلی، در مقایسه با ۱۰ سال پیش، اهمیت غرب آسیا برای امنیت انرژی آمریکا بسیار کاهش یافته است. از سوی دیگر ظهور قدرت آسیای شرق یعنی چین که آمریکا آن را برای خود تهدید می‌داند باعث اتخاذ راهبرد چرخش به منطقه ایندو-پاسفیک<sup>۱</sup> این کشور شده است. در همین راستا این موضوع (خروج نیروهای آمریکایی از غرب آسیا) در تغییر رویکرد کشورهای عربی در خصوص عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی نقش ایفا کرده است. اعراب سنی غرب آسیا برای سال‌ها سیاست‌های خود را براساس این فرض بنا کرده بودند که از تضمین‌های امنیتی آمریکا برخوردار خواهند بود. آن‌ها حتی موجودیت خود را در مقابل فرض تهدید بودن ایران، به برخورداری از این تضمین‌های امنیتی منوط کرده بودند. اما رفتارهای آمریکا طی سال‌های اخیر نشان داده که حتی اعراب هم نمی‌توانند چندان به آمریکا اطمینان کنند. خروج غیرمنتظره آمریکا از افغانستان نیز بر تردیدهای اعراب افزوده است. بنابراین اعراب به این نتیجه رسیده‌اند که باید خود را برای غیبت احتمالی آمریکا در غرب آسیا آماده کنند. در نتیجه، برای تحقق این هدف چاره‌ای جز شکل دادن یک بلوک واحد ندارند و برای شکل دادن بلوک واحد نیز مجبورند ضمن کنار گذاشتن اختلافات میان خود تا حد امکان که یکی از اختلافات مساله کیفیت روابط با رژیم صهیونیستی در این برهه زمانی است چراکه چه زمانی بهتر از این زمان است که ایران فضای مانور اندکی در اختیار دارد (منتظری، ۱۴۰۰: ۳).

۸- تفکرات حاکمان کشورهای عربی جهت استحکام و حفظ جایگاه داخلی:

در اکثر دولت‌های عرب منطقه خلیج فارس نظام‌هایی توتالیتر و تمرکزگرا حاکم است و این در حالی است که روند تحولات جهانی به‌ویژه در زمینه‌های ارتباطاتی و فرهنگی می‌تواند به فرسایش قدرت دولت‌های ملی بیانجامد. در همین رابطه یکی از محدود خواست‌های مشترک بیشتر ملت‌های عرب را می‌توان انتظار پایان حکومت الیگارشی‌ها موروثی در این کشورها دانست (صادقی،

۱۳۸۴: ۶۴-۵۸). از طرفی رشد سریع جمعیت در برخی از کشورهای عرب منطقه در آینده می‌تواند تبعاتی برای ثبات این کشورها در پی داشته باشد. نسل جدید دارای مطالبات و خواست‌های اجتماعی، مدنی و سیاسی متفاوتی در مقایسه با نسل قدیم هستند. اولویت نسل جوان کشورهای منطقه، بهبود وضعیت معیشتی و شرایط مناسب اقتصادی است (Chomsky, 2005, 1). این امر، به‌ویژه پس از بیداری اسلامی و نوع برخورد این کشورها با معترضان و سرکوب شدید آن‌ها؛ از جمله در عربستان سعودی و بحرین، موجب تشدید و ناراضی‌های داخلی و بین‌المللی گردید. پس از آن، مواردی مانند حمله همه‌جانبه گروهی از کشورهای عربی به یمن، ایجاد فجایع انسانی در این کشور و قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد حکومت سعودی در کنسولگری این کشور در ترکیه، موجب تخریب وجهه سران این کشورها در داخل و خارج گردید؛ به طوری که مجالس کنگره و سنا در آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی، تحریم‌هایی را علیه این کشورها و مخصوصاً عربستان سعودی اعمال کردند. این اقدامات در شرایطی انجام می‌شود که محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، در پی کسب مشروعیت برای جانشینی سلطنت در عربستان است و خروج از این تنگنا، بدون کمک رژیم صهیونیستی و آمریکا ممکن نبوده و از همین رو ولیعهد جوان سعودی در پی این است تا از طریق عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، حمایت کنگره، لابی‌های قدرتمند صهیونیستی در آمریکا، اروپا و سایر کشورها را جذب نماید (زیبایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۴).

۹- افزایش عمق نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه به‌منظور تلافی حضور ج.ا.ایران در منطقه:

وسعت کم و شرایط ژئواستراتژیکی نامناسب ضمن آن‌که حمله سریع و اشغال رژیم صهیونیستی (سرزمین‌های اشغالی) را در اختیار همسایگان آن قرار می‌دهد، این رژیم را در برابر حملات غافلگیرانه و سریع غیرقابل دفاع می‌سازد. این امر از آن‌جا ناشی می‌شود که فاصله بین مرزی که رژیم صهیونیستی را از دشمنان عرب آن جدا می‌کند، تا مراکز اصلی رژیم صهیونیستی بسیار کم است. مراکز حیاتی رژیم صهیونیستی را مثلث بیت‌المقدس، حیفا و تل‌آویو تشکیل می‌دهد (این مثلث به‌عنوان هارتلند رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود) که در تیررس حملات مرزی کشورهای عربی قرار دارند و همیشه خطرات بالقوه‌ای را در خود جای داده‌اند. این آسیب‌پذیری عامل مهم وابستگی رژیم صهیونیستی به دکترین نظامی است به‌نحوی که این رژیم بیشتر بودجه خود را صرف امور نظامی و دفاعی نموده است. حتی وقتی که رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ با اشغال کرانه باختری، غزه، جولان و سینا تا حدی موقعیت خود را بهبود بخشید و به نوعی عمق استراتژیک خود را افزایش داد، چندان نتوانست این ضعف اساسی را جبران کند؛ چرا که حتی در این صورت هم

فاصله مرز کشورهای عرب تا مراکز حساس و شهرهای مهم رژیم صهیونیستی بسیار اندک بود، در همین خصوص فاصله مرز اردن و سوریه تا این مراکز حدود ۴۰ کیلومتر بود. علاوه بر این هواپیماهای کشور سوریه، مصر و اردن به دلیل عرض کم سرزمین رژیم صهیونیستی می‌توانستند به سرعت و در مدت کمتر از ۱۰ دقیقه شهرهای مهم آن را هدف حملات موشکی خود قرار دهند (نیکو، ۱۳۹۶: ۱۴۷-۱۴۶). بنابر این با مساعد شدن زمینه عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، این رژیم ضمن حضور در مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به نوعی به برای خود «عمق استراتژیک»<sup>۱</sup> ساخته است.

۱۰- توان موشکی جمهوری اسلامی ایران:

از آن جایی که راهبرد دفاعی هر کشوری، پاسخی به تهدیدات منطقه‌ای و بین-المللی محسوب شده و محیط پیرامونی، الزامات و محدودیت‌هایی را برای بازیگری هر واحد سیاسی پدید می‌آورد، از این رو بازیگران باید در مورد شناخت این گونه تهدیدات اقدام نموده تا به گونه بهینه‌ای منافع ملی خود را تأمین کنند. هر کشوری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه‌ای، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی و فراپیرامونی خود، سطحی از اقدامات پدافندی را در قبال تهدیدات دشمنان به‌عنوان یک ضرورت و الزام اجتناب ناپذیر در دستور کار قرار می‌دهد. در واقع، راهبرد دفاعی، یکی از ارکان مهم و زیرمجموعه راهبرد ملی یک کشور است و ذیل سیاست‌های کلی دفاعی و امنیتی قرار می‌گیرد. براساس، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و همچنین برنامه‌های توسعه‌ای کشور، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های امنیتی و دفاعی بر مبنای اصل بازدارندگی است. در واقع، باید گفت که براساس، سیاست‌های عالی دفاعی ایران و براساس رویکردهای قانونی، هدف کلی سیاست‌های دفاعی و امنیتی ایران، بازدارندگی است و بازدارندگی پایه راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران قرار می‌گیرد (یاری، ۱۳۹۸: ۵۶-۵۵).

از این رو چیدمان و آرایش صنایع نظامی ایران در زمینه توسعه و ساخت انواع موشک و سامانه‌های موشکی پدافندی، نشان می‌دهد که ج.ا.ایران، باتکیه بر صنایع موشکی خود دنبال ابزاری قدرتمند بوده که از تجاوز دشمن جلوگیری نماید. در واقع، موشک‌های بالستیک ایران براساس اصل بازدارندگی به‌عنوان هدف صنایع موشکی و تأکید این کشور بر استفاده از موشک‌های مختلف، منجر به این شده که موشک‌های ایران تأثیر روانی ویژه‌ای داشته باشند (Cordesman, 2014:92).

با توجه به موارد مطروحه لزوم بازدارندگی منطقه‌ای نیز از ضرورت‌های مهم برنامه موشکی ایران است که برای جلوگیری از هرگونه تجاوز از سوی دشمنان است. در واقع، موشک‌ها از جمله سلاح‌های بازدارنده‌ای هستند که به تجاوزگران این واقعیت را نشان می‌دهند که در صورت وقوع هرگونه جنگ، منافع آن‌ها در نقاط مختلف مورد حمله قرار خواهد گرفت (یاری، ۱۳۹۸: ۵۷). از این رو رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همواره نسبت به برنامه موشکی ایران بویژه موشک‌های دوربرد حساس بوده و همواره آن را تهدیدی مشترک برای خود تلقی می‌کنند.

پیامدهای روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی خلیج فارس را بایستی در دو بعد مثبت و منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرد.

الف- پیامدهای منفی:

۱- تسریع دومینوی عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی: نخستین پیامد منفی صلح امارات و رژیم صهیونیستی تسریع دومینوی عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی است. با رسمی شدن روابط مصر و اردن با رژیم صهیونیستی و به دنبال آن پس از سال-ها امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی شکل‌گیری دومینوی روابط رسمی دولت‌های عربی با این رژیم آغاز شده است. این دومینوی عادی سازی روابط کمک شایانی را در بعد بازدارندگی منطقه‌ای به رژیم صهیونیستی خواهد نمود. در همین رابطه در سند راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۵ علاوه بر قدرت نظامی ابزارهای نرم منطقه‌ای شامل برقراری روابط با کشورهای منطقه غرب آسیا به عنوان فرصتی برای بازدارندگی بیشتر ذکر شده است (عباسی خوشکار، ۱۳۹۹). از این رو شکل‌گیری این دومینو به تقویت بازدارندگی رژیم صهیونیستی کمک خواهد کرد. ضمن این‌که روند عادی سازی روابط کشورهای عربی خلیج فارس و رژیم صهیونیستی جدیدترین رویکرد برای موازنه در مقابل ایران خواهد بود که به نوعی بر امنیت ملی ج.ا. ایران تاثیرگذار است (نویدی کیا و مرادی کلارده، ۱۴۰۰: ۱۰۳).

۲- تضعیف ایدئولوژی ضد رژیم صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران: این موضوع را می‌توان دومین پیامد منفی این روابط دانست. ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران در مورد موجودیت رژیم صهیونیستی و درگیری‌ها در فلسطین اشغالی برای این کشور یک مسأله اسلامی مهم محسوب می‌شود. در مقابل آن، مطرح شدن رژیم صهیونیستی در افکار عمومی منطقه به عنوان شریک سیاسی، اقتصادی و راهبردی کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس می‌تواند باعث

مشروعیت بخشی به سیاست‌های تل‌آویو شده و ایدئولوژی ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی را تضعیف کند. در همین راستا، این احتمال وجود دارد که عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و خارج شدن آن از حالت تابو به انزوای نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حتی در جامعه بین‌المللی منجر شود که البته این دو در بعد امنیت سیاسی قابل تبیین است (دهقانیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۸-۱۸۷).

۴- **تهدیدات اقتصادی ج.ا.ایران:** تهدیدات اقتصادی یکی دیگر از پیامدهای منفی عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب منطقه است. واقعیت این است که امارات امروزه میزبان بیش از ۸ هزار شرکت و ۶ هزار کارآفرین ایرانی است و این مسئله ایران را به یکی از شرکای مهم اقتصادی امارات در منطقه تبدیل کرده است. از طرفی میزان مبادلات تجاری و بازرگانی میان ایران و امارات در سال ۲۰۱۹ میلادی حدود ۸/۳ میلیارد دلار بوده است که این میزان تا پیش از اعمال تحریم‌های همه جانبه ترامپ تا میزان شگفت‌انگیز ۱۵ میلیارد دلار نیز رسیده بود. یقیناً با حضور سران رژیم صهیونیستی در امارات باید منتظر کاهش چشمگیر مبادلات تجاری و اقتصادی میان ایران و امارات بود (عالیشاهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۴). البته این موضوع در خصوص دیگر کشورهای عرب منطقه از جمله قطر و عمان نیز قابل بررسی است.

مواردی همچون تقویت توانایی‌های تسلیحاتی کشورهای عرب منطقه خلیج-فارس و برهم خوردن توازن قوای منطقه‌ای و شکل‌گیری فرایند موازنه تهدید نوین منطقه‌ای، تاثیرگذاری بر نظم ژئوپلیتیکی منطقه، رشد گروه‌های افراطی و رادیکال در منطقه، مقابله با توان هسته‌ای و موشکی ج.ا.ایران و تلاش برای کم رنگ کردن نقش منطقه‌ای ایران و ... در همین راستا قابل تبیین خواهند بود که این موضوعات نیز می‌توانند مخاطرات امنیتی را در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی متوجه ج.ا.ایران نمایند.

ب- پیامدهای مثبت:

۱- **خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از منطقه:** عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از منطقه را رقم زد که این موضوع می‌تواند پیامد مثبتی تلقی گردد، زیرا موضوع خروج نیروهای فرامنطقه‌ای و به‌ویژه آمریکا همواره مد نظر جمهوری اسلامی بوده و می‌باشد. ج.ا.ایران معتقد است امنیت منطقه بایستی به‌دست کشورهای منطقه تامین شود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان سیاست راهبردی مورد تأکید و پیگیری رهبر معظم انقلاب را خروج آمریکا از «منطقه‌ی غرب آسیا» دانست. سیاستی که ضرورت آن به تأمین منافع ملی ایران و سایر کشورها و ملت‌های این منطقه بازمی‌گردد. از نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حضور و دخالت آمریکایی‌ها در غرب آسیا عامل بحران آفرینی، بی‌ثبات‌سازی، ناامنی و اختلاف

است و این مسئله با همکاری متقابل ملتها و دولت‌های این منطقه می‌تواند پایان یابد. (خامنه‌ای: ۱۳۹۸).

**۲- تقویت محور مقاومت:** تقویت محور مقاومت نیز در همین راستا قابل تبیین است زیرا رهبران جمهوری اسلامی ایران، بارها تأکید کرده‌اند که محور مقاومت براساس سیاست ایستادگی در برابر استکبار شکل گرفته است. بر این مبنای مقاومت در برابر هر نوع فشاری از سوی نظام سلطه، یک هدف اصلی برای ژئوکالچر جمهوری اسلامی در غرب آسیا است. به این ترتیب هرچه میزان فشار بر جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد، ایران نیز تلاش خود را برای افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه غرب آسیا افزایش خواهد داد. بنابراین حمایت جمهوری اسلامی ایران نیز از گروه‌های مقاومت، برای تشکیل محور مقاومت نیز در همین چارچوب قرار دارد. در حقیقت، ایران، با این حمایت، عمق راهبردی خود را افزایش داده است. به طوری که به ایجاد موازنه تهدید به نفع جمهوری اسلامی در منطقه، منجر شده است و هزینه مقابله با انقلاب اسلامی را برای نظام سلطه و همپیمانان منطقه‌ای آن به شدت افزایش داده است (حسن‌نیامقدم، ۱۳۹۹: ۴۶).

**۳- اتکا به توانمندی و دانش بومی در تقابل با این گونه ائتلاف‌ها و تحریم‌ها:** اتکا به توانمندی و دانش بومی در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، نظامی از جمله دستیابی به دانش هسته‌ای و برخورداری از توان موشکی و پهپادی در سایه چنین ائتلاف‌ها و تحریم‌هایی صورت گرفته که می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده در مقابل این گونه روابط غیرمتعارف و نامتوازن به شمار آید. رژیم صهیونیستی و عربستان و همچنین سایر کشورهای عرب منطقه ایران هسته‌ای و برخورداری از سامانه‌های موشکی پیش‌رفته و پهپادی را تهدیدی علیه ماهیت وجودی خود می‌دانند و از برنامه هسته‌ای حتی صلح آمیز، موشکی و پهپادی ایران به شدت دچار هراس هستند (عباسی اشلقی و حمیدفر، ۱۳۹۹: ۲۱).

**۴- احیاء روابط تهران- ریاض:** یکی از اقدامات مهم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تأثیرات عادی سازی روابط کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی تلاش برای بهبود روابط با کشورهای منطقه است. توسعه روابط ایران با کشورهای منطقه و در نتیجه کاهش میزان ادراک تهدید از سوی ایران کارت‌های بازی رژیم صهیونیستی را در منطقه محدود می‌کند. بنابراین ج.ا.ایران باید سیاست‌های منطقه‌ای و همسایگی خود را از نظر کیفی و کمی بهبود بخشد. زیرا بی‌توجهی به همسایگان نتیجه‌ای جز افزایش حضور رژیم صهیونیستی در اطراف مرزهای ایران نخواهد داشت (مقومی و حاتمی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۳۵۴). بنابراین احیاء روابط تهران - ریاض نیز از همین منظر قابل بررسی است. در ۶ مارس ۲۰۲۳، نمایندگان ایران و عربستان سعودی در پکن برای گفتگو با میانجی‌گری چین ملاقات کردند. چهار روز بعد، ریاض و تهران

اعلام کردند که تصمیم به عادی سازی روابط دارند. (Maria Fantappie and Vali Nasr, 2023). برخلاف آنچه برخی از سیاستمداران غربی سعی در القاء آن دارند که این موضوع، یک رویکرد مقطعی و تاکتیکی و یک تصمیم احساسی از سوی طرفین است، لیکن این روند بیش از هر چیز معلول تعارض پیش فرض‌های ذهنی و راهبردی مقامات سعودی نسبت به ماهیت و قدرت ج.ا.ایران در ابعاد داخلی و منطقه‌ای است. در این معادله، همه اجزاء جایگاه ویژه خود را دارند؛ از انفعال توأم با نارضایتی آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال تحولات اخیر منطقه‌ای گرفته تا نقش آفرینی خاص چینی‌ها و اصرار آن‌ها بر تثبیت شرایط کنونی.

اما تنش‌زدایی بین ایران و عربستان سعودی نشان‌دهنده افزایش شدید نفوذ چین در منطقه خلیج فارس است، جایی که ایالات متحده مدت‌ها قدرت مسلط بوده است. حال سئوالی که مطرح است این است که تأثیر توافق ایران و عربستان با میانجی‌گری چین بر رژیم صهیونیستی چیست؟ یک روز قبل از تصمیم عربستان سعودی و ایران برای احیای روابط دیپلماتیک، ریاض پیشنهاد داد که روابط خود با رژیم صهیونیستی را در ازای تضمین امنیت عربستان و کمک به برنامه هسته‌ای این کشور از سوی ایالات متحده، عادی کند. برای رژیم صهیونیستی، این موضوع می‌تواند تلاش‌های ایالات متحده برای تقویت اتحاد منطقه‌ای برای مقابله با تهران را در حالی که ریاض برنامه هسته‌ای خود را گسترش می‌دهد، پیچیده کند. این در حالی است که ایالات متحده در تلاش برای میانجی‌گری برای یک توافق صلح بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است که به افزایش روابط بین رژیم صهیونیستی و جهان عرب می‌افزاید (Mercy A. Kuo, 2023).

از طرف دیگر ناظران معتقدند که رژیم صهیونیستی با توجه به خصومت خود با ایران و امیدواری برای عادی سازی روابط با عربستان سعودی ضربه خورده است. دانیل چارلز کورتزر<sup>۱</sup>، سفیر سابق ایالات متحده در مصر و رژیم صهیونیستی اظهار داشت که رژیم صهیونیستی‌ها احتمالاً معتقدند که هر دوی این اهداف تحت تأثیر این تحولات منفی قرار گرفته است. خانم ماریاو زونسزین<sup>۲</sup> تحلیل‌گر ارشد مسائل رژیم صهیونیستی-فلسطین در گروه بین-المللی بحران، با این نظر موافق است و می‌گوید که دولت آن را "خبر بدی برای کشور و منطقه" می‌داند. او توضیح داد که تا آنجا که به رژیم صهیونیستی مربوط می‌شود، این توافق به جای انزوای بیشتر، محور ضد ایران و توافق ابراهیم را تضعیف می‌کند و ایران را جسور می‌کند. اما با این حال، عادی سازی بین رژیم صهیونیستی‌ها و سعودی‌ها هنوز کاملاً از روی میز خارج نشده است. روزنامه تایمز گزارش می‌دهد که عربستان سعودی مایل به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی در ازای «ضمانت‌های امنیتی از سوی ایالات

1. Daniel Charles Kurtzer

2. Mairav Zonszein

متحده، کمک به توسعه برنامه هسته‌ای غیرنظامی، و محدودیت‌های کمتر در فروش تسلیحات ایالات متحده است». این واقعیت که سعودی‌ها هر دو تحول - آشتی با ایران و عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی - را متقابل نمی‌دانند، ممکن است نشان‌دهنده حمایت از روند عمومی تنش‌زدایی در منطقه باشد. یعنی در جهت التیام زخم‌های گذشته (Ana Davis, 2023 and Omar Auf).

از دیگر پیامدهای مثبت عادی‌سازی می‌توان به مواردی همچون شکاف میان طبق حاکم و ملت‌های کشورهای عربی و حتی حکومت و جامعه رژیم صهیونیستی، زیرفشار قرار گرفتن جنبش فتح و نیاز به نزدیکی با جنبش حماس و نفی آرمان فلسطین توسط عربستان سعودی و واکنش مسلمانان نسبت به آن اشاره نمود.

با افزایش قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا که سبب تغییر معادلات منطقه‌ای شده است، نخبگان سیاسی کشورهای عرب منطقه خلیج-فارس و رژیم صهیونیستی به این درک و فهم مشترک رسیده‌اند که در شرایط فعلی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از اولویت و ارجحیت بیشتری نسبت به اختلافات آن‌ها برخوردار است. بر همین اساس، با اهداف مشترکی مانند مقابله با تهدیدات ایران، برقراری توازن منطقه‌ای و پر نمودن خلأ یک متحد راهبردی ارتباطات رسمی و علنی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. علاوه بر اهداف مشترک، رژیم صهیونیستی به دنبال خروج از انزوای منطقه‌ای، مشروعیت سازی و به حاشیه راندن مسئله فلسطین، ایجاد شکاف بین کشورهای عربی، افزایش عمق راهبردی و حضور در محیط امنیتی ج.ا.ایران است. کشورهای عربی نیز افزایش قدرت و تثبیت امنیت برای تولید ثروت، تسهیل دسترسی به کانون و هسته قدرت در آمریکا از طریق ائتلاف با رژیم صهیونیستی، استفاده از فن‌آوری پیشرفته صهیونیست‌ها در حوزه‌های مختلف و تلاش برای حفظ پادشاهی را به عنوان اهداف خود در نظر گرفته‌اند.

لذا برقراری این روابط به‌طور بالقوه می‌تواند تهدیداتی را متوجه منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران نموده و پیامدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و امنیتی را در پی داشته باشد. از تقویت رویکرد ایران هراسی و تلاش برای تنش‌افزایی و عمیق‌تر شدن شکاف روابط ج.ا.ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس گرفته تا ورود رژیم صهیونیستی به بازار انرژی خلیج‌فارس و به خطر افتادن امنیت تجارت دریایی ج.ا.ایران، همچنین تغییر در ساختار امنیتی و نظامی منطقه و تسری ناامنی و بحران‌زایی و تشدید اختلافات فرقه‌ای-هیتی در ج.ا.ایران. گرچه عادی سازی روابط می‌تواند پیامدهای مثبتی را هم به همراه داشته باشد که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از منطقه، تقویت محور مقاومت، افزایش توان موشکی و پهپادی و اخیراً احیای روابط ریاض-تهران اشاره نمود.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران بایستی با برنامه‌ریزی و به‌کارگیری راهبردهای مناسب، علاوه بر جلوگیری از گسترش روابط و روند فعلی، با تقویت رایزنی-های دیپلماتیک، از پیوستن احتمالی سایر کشورهای مستعد عادی‌سازی مانند قطر، عمان و... جلوگیری نماید. همچنین تنش‌زدایی و تقویت روابط ج.ا.ایران با همسایگان عرب، استفاده حداکثری و بهینه از ظرفیت‌های مردمی و جریان-های آزادی‌خواه و ضد صهیونیست در سراسر دنیا، استفاده از ظرفیت رسانه و دیپلماسی عمومی، افزایش توان دفاعی و تهاجمی کشور، پرهیز از هر نوع ایرانی شدن مخالف با عادی‌سازی و تمرکز بر منطقه‌ای و جهانی شدن آن، ایجاد ائتلاف در برابر ائتلاف‌سازی با کشورهای همسو در این زمینه، تأکید مکرر و مستمر بر فروپاشی رژیم صهیونیستی در آینده نزدیک و مشغول

نگه داشتن آن در مناطق پیرامونی خود می‌تواند از راهکارها و راهبردهای مؤثر باشد.

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی:

- ۱- اخوان کاظمی، مسعود و همکاران (۱۳۹۵)، "تحلیلی بر روابط راهبردی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی"، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۴۷.
- ۲- امامزاده فرد، پرویز، (۱۳۹۰)، "سیاست‌های اسرائیل و عربستان سعودی در قبال یکدیگر در دهه‌های اخیر"، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، شماره: ۱۶.
- ۳- امیدی قلعه محمدی، زینب (۱۳۹۹)، "تحلیل اقدامات امارات متحده عربی و بحرین در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی"، **سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی**، تهران.
- ۴- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، "مردم دولت‌ها و هراس"، ترجمه پژوهشگاه مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۵- جاودانی مقدم، مهدی و گوهری، ابوذر، (۱۳۸۷)، "استراتژی آمریکا در قبال جهان تشیع، استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام"، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
- ۶- حاجی یوسفی، امیرمحمد و نعمتی، امیرحسین، (۱۳۹۸)، "صفا‌آرایی عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل"، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره: ۴۰.
- ۷- حسن‌نیامقدم، سیدعباس، قائدی، محمدرضا، دهشیری، محمدرضا، کشیشیا نسیرکی، گارینه، (۱۳۹۹). "بررسی مؤلفه‌های راهبردی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری"، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال یازدهم شماره: ۴۵.
- ۸- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۸)، "اخراج آمریکا از منطقه؛ سیاست راهبردی ایران" قابل دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44657>
- ۹- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و علوی، سیدمحمدعلی، (۱۳۹۵)، "روند امنیتی سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی رژیم صهیونیستی در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ"، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال پنجم، شماره: ۱۷.
- ۱۰- دهقانیان، مجید، زارعی، بهادر و قربانی سپهر، آرش، (۱۴۰۰) "تبیین پیامدهای رابطه رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران"، **دو فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و**

نبردهای معاصر، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، سال یوم، شماره: ۴.

۱۱- رستمی، فرزاد و تارا، علی رضا، (۱۳۹۷)، "تحلیل روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در سایه توافق هسته‌ای ایران"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۷، شماره ۲.

۱۲- زارعی، غفار، فدایی دولت، غلام عباس و نریمانی، حسن (۱۳۹۹)، "بررسی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰"، نشریه مطالعات منافع ملی، پیاپی ۲۰.

۱۳- زیبایی، مختار و نصری، زبیره و رستمی، فرزاد (۱۴۰۰)، "پیامدهای فرآیند عادی سازی مناسبات اعراب و رژیم صهیونیستی بر محیط امنیتی ج.ا.ایران (۲۰۱۰-۲۰۲۱)"، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره: ۳

۱۴- سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر، (۱۳۹۷)، "داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره ۴۱.

۱۵- صادقی، احمد، (۱۳۸۴)، "شناخت اسلام‌گرایی"، ماهنامه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (دیدگاهها و تحلیل‌ها)، شماره: ۱۹۱.

۱۶- ضرغامی خسروی، سمیرا، ذاکریان، مهدی، برزگر، کیهان و کاظمی زند، سیدعلی، (۱۳۹۹)، "تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید رژیم صهیونیستی"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال شانزدهم شماره: ۴.

۱۷- عالی شاهی، عبدالرضا و فروزان، یونس، (۱۳۹۹)، "تشدید تعامل‌گرایی ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در پسا ناآرامی‌های غرب آسیا؛ پیامدهای ترور سرلشگر قاسم سلیمانی"، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال چهارم شماره: ۱۳.

۱۸- عالی شاهی، عبدالرضا، فروزان، یونس و سلیمانی سوچلمانی، حمید (۱۳۹۹)، "تاثیراتئتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس"، نشریه علمی آفاق امنیت، سال سیزدهم، شماره: ۴۹.

۱۹- عباسی خوشکار، امیر، (۱۳۹۹)، "عادی سازی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی؛ پیامدهای سیاسی، امنیتی و نظامی"، قابل دسترسی در سایت: <https://csr.ir/fa/news/1047>.

۲۰- عباسی اشلقی، مجید و حمیدفر، حمیدرضا، (۱۳۹۹)، "اتحاد عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی با آمریکا و پیامدهای آن بر موازنه قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۷، شماره پیاپی: ۶۷.

۲۱- عسگری کرمانی، محمد و معین آبادی بیدگلی، حسین، (۱۴۰۰)، "بررسی مجموعه امنیتی غرب آسیا و شناخت ائتلافها و تهدیدها با تأکید بر

نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه"، فصلنامه علمی

مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره: ۲.

۲۲- کسپیت، بن، (۱۳۹۷)، "ایران هراسی، دارایی استراتژیک رژیم

صهیونیستی"، دیپلماسی ایرانی، یازدهم آذر، قابل دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1980372>

۲۳- مقومی، امیررضا و حاتمی نژاد، محمد، (۱۴۰۱)، "پیمان ابراهیم فصلی

جدید در روابط رژیم صهیونیستی با جهان عرب"، انتشارات موسسه

فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران.

۲۴- منتظری، آرمین، (۱۴۰۰)، "اعراب در پی نظم جدید منطقه‌ای"،

انتشارات اعتماد..

۲۵- نویدی‌نیا، فرزاد و مرادی کلارده، سجادف (۱۴۰۰)، "تبیین روابط

عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در مقابله با ایران"، فصلنامه تحقیقات

سیاسی و بین‌المللی، شماره: ۴۸.

۲۶- نیکو، حمید و سویلی، مرتضی، (۱۳۹۶)، "جایگاه برنامه هسته‌ای ایران

در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل،

سال دهم، شماره: ۳۷.

۲۷- یاری، احسان، (۱۳۹۸)، "الزامات ژئوپلتیک و ضرورت های راهبردی

برنامه موشکی ج.ا.ایران در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل"، فصلنامه علمی

آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره: ۴۲.

ب) منابع غیر فارسی:

1. Abadi, Jacob, (2019), "Saudi Arabia's rapprochement with Israel: the national security imperatives", **Middle Eastern Studies** 55 2019-issue3, DOI:10.1080/00263206.2018.1509853

2. Ana Davis and Omar Auf, (2023), "Iran-Saudi Arabia: A Regional Transformation?", *The Cairo Review of Global Affairs*.

4. Alsaafin, Linah, (2017), "what is behind the covert Israeli-Saudi relations"?, *Aljazeera*.

5. Bergman, Ronen, (2018), "Rise and kill first", New York: Random House Press.

6. Chomsky, Noam, (2005), "Promoting Democracy in the Middle East", available at: [www.counter-currents.org/iraq-chomsky/060305.html](http://www.counter-currents.org/iraq-chomsky/060305.html).

8. Cordesman, A.H, (2014), "Iran's Rocket and Missile Forces and Strategic Options", **Washington: Center for Strategic & International Studies**.

9. Ehteshami. a, (2014), "Middle East Middle Powers: Regional Role, International impact", *Uluslararası İlişkiler. Asianization of the Middle East*, Durham University.

10. Fulton, Jonathan & Yellinek, Roie, (2021), "UAE-Israel diplomatic normalization: a response to a

- turbulent Middle East region**”, Comparative strategy, Volume 40, 2021 - Issue 5.
11. Ghanbarloo, A, (2018), “The Zionist Regime and the Continuation of Tensions between Iran and the United States”, **Quarterly Journal of Strategic Studies**, 11(1), 135-164. (In Persian)
12. Jones, Clive & Guzansky, Yoel , (2017), “ **Israel’s relations with the Gulf states: Toward the emergence of a tacit security regime?**”, Contemporary Security Policy, DOI: 10.1080/13523260.2017.1292375.
13. Marcus, J. (2018). “**Israel and Saudi Arabia: The relationship emerging into the open**”. The Middle East Institute. Available at: [www.bbc.com](http://www.bbc.com)-Perstion.com-
15. Maria Fantappie and Vali Nasr, (2023), “**A New Order in the Middle East? Iran and Saudi Arabia’s Rapprochement Could Transform the Region**”, access in <https://www.foreignaffairs.com/china/iran-saudi-arabia-middle-east-relations>.
16. Mercy A. Kuo, (2023), “**China in Iran-Saudi Arabia Relations: Impact on Israel**”, access in <https://thediplomat.com/2023/03/china-in-iran-saudi-arabia-relations-impact-on-israel>.
17. Nasresfahani, Mohsen, Ranjbar, Mohammad Reza and Kazemi, Ahmad, (2022), “Investigating the normalization of relations between the Arabs and the occupying regime of Palestine and its consequences on the national security of the Islamic Republic of Iran”, **Journal of Islamic Awakening Studies**, Volume 11
18. Simber, R., Ghorbani, V. (2013), “The Impact of the Islamic Revolution of Iran on USIsraeli Relations”, **Quarterly Journal of Islamic Revolution Research**, 2(7), 83-102. (In Persian)
20. Yossef, A. (2021), “**The Regional Impact of the Abraham Accords**”, Modern War Institute, West Point, NY. access in <https://mwi.usma.edu/after-the-abraham-accords-what-next>.
21. Zargham Khosravi, S., Zakerian, M., Barzegar, K., Kazemizand, S. (2020). “The Impact of the Iranophobia Project on the Strategy of the New Israeli Regions”, **International Studies Journal (ISJ)**, 16 (4),67-86. (In Persian).